

هشدارهای امام  
علی (ع) به جامعه  
انقلابی

محلات مباررات استاد رانجی  
[www.viranjangi.com](http://www.viranjangi.com)



- "سخنی با مخاطبان آشنا"

بعد از انتشار نخستین شماره فریاد مظلوم از سری سخنرانیهای شهید مظلوم حاج شیخ ابوالحسن کریمی، در تداوم این حرکت پر بروکت فرهنگی در مسیر آشنا بی‌هر چه بیشتر جامعه‌انقلابی و نیروهای صادق منطقه‌با آفاق رفیع تفکر انقلابی اسلامی این ابوذر دوران و مسادی قسط گیلان، متن سخنرانی شورانگیز و تکان دهنده‌دیگری از ایشان در تشریح‌مواقف حساس کنونی وابعاً خطیر و ظایف و مسئولیت دست اندکاران و لزوم هشیاری هماره مردم، که بمناسبت چهارمین سالگرد عروج شهدای افطار خونین رشت (شهید ثابت قدم - شهید اسلام پورست) بتاریخ ۲۱ خرداد سال ۶۴ در مسجد باقرآباد رشت اپرااد گردیده توسط جمعی از شاگردان و رهروانش در دو مین شماره فریاد مظلوم تحت عنوان "هشدارهای امام علی(ع) به جامعه‌انقلابی" تقدیم علاقه‌مندان میگردد، تابرایمان و معرفت پویندگان طریق حق بیان فزاید و آنان را در مسیر غلبه و تثبیت ارزش‌های الهی برپدا رزشها را جا هلی و شیطانی اراده‌ای مستقیم و عزمی را سخعنایت فرماید تا به مصادق بیان امام علی(ع)؛ کسی‌که تجربیات تاریخی را در کتاب‌نویسی بکارگیردا زفرو رفتن در شباهات مصنون مانده و تقوی اورا حفظ خواهد کرد، قرار گیرد در خاتمه غفرا ن وعلو در جات برای تمامی شهدای قرآن

جهود مقاومت در طول تاریخ روزگارهای گوناگون بر سیاست این کشور

موسسه مطالعات مبارزه اسلامی  
geiman.ir

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم ۝ بسم الله الرحمن الرحيم ۝ الحمد لله الذي يوم الخلافين وينجي الصالحين ويرفع المستضعفين ويضع المستكروبين وبهلك ملوكاً ويستخلف الآخرين ۝ الحمد لله الذي هدانا وما كان له تهدي لولا ان هدانا الله ۝ اللهم صل على محمد عبدك ورسولك بهنام ساده وعيك وحبيبك وخيرتك على خلقك وصل على امير المؤمنين ووصي رسول رب العالمين عبدك ووليک ووصي رسولك وخيرتك على خلقك وصل على ائمه المسلمين عليهم اجمعين وبعد قال الله الحكيم في القرآن الكريم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم : " يا ايها الذين آمنوا ما لكم اذا قيل لكم انفروا في سبيل الله اثقلتم الى الارض ارثبيتم بالعنوه الدنيا في الآخرة القليل - الا تأثروا بعذبكم عذاباً اليما و يستبدل قوماً غيركم ولا ينجزرون شيئاً ، والله على كل شيء قادر - آيات از سوره توبه است و خداوند میفرماید : ای کسانی که ایمان آورده اید، جه شده است شما را وقتی که به شما گفته میشود که کوچ کنید دو راه خدا ، بل از میان مکالم شده اید و چسبیده اید به زمین و سنگین شده اید به زمین ، آیا به زندگانی دنیا نسبت به زندگانی آخرت رضایت داده اید و راضی شده اید ، حال آنکه متاع زندگانی دنیا نسبت به زندگانی آخرت قلیل است - اگر شما کوچ نکنید و در راه خدا حرکت نکنید ، خداوند شما را به عذابی دردناک معذب خواهد فرمود و قومی را غیر از شما

و فضیلت و قوت ونصرت برای نیروهای کفرستیز اسلام در کلیه جبهات نبرد حق علیه باطل و غلبهها بیدا هیان کربلای حسینی و با هتراز در آمدن پرجم اسلام در سرزمین مظلوم عراق بر هیری امید مستضعفان جهان امام امت خمینی کبیر را از درگاه احادیث مسئلت می ننماییم ۝ والعاقبه للمنتقین ۝

موسسه مطالعات مبارزه اسلامی  
n g e i m a n . i r

- "وابستگی به دنیا مانع اجرا" فرامین الهی

جا یگزینیتاً خواهد کرد، و شما او را زیانی نخواهید  
رسانید، و خداوند بر هر جیزی توانایت " .  
شب لیله القدر است . شب انجام مواسم دعاست  
شاید انتظار زیاد محبت کردن و معطل کردن نیست .  
و من هم زیاد حال و استعداد حرف زدن را ندارم ماما  
هم به پاس احترام خون شهدای ما و این عزیزاتی  
که در ماه مبارک رمضان بدت دژخیماً ، افطار خوشنین  
از آنها ساخته شده و این یاد مانده است، و اینکه  
بماند، و هم اینکه برنامه از پیش تعیین شد ،  
من مختصری با شما صحبت میکنم، تا اتفاق وظیفه  
کرده باشم، و گرمه صحبتها شده است، و واقعیت امر  
اینست که فکر میکردم با هم جهیزیم؟ نسخی خواهیم  
بعنوان یک مکرر مطالب، با هم حرف بزنیم، از قرآن  
بگوئیم . فلذًا گاهی انسان مهیب میشود، که چه  
بگوید، اما به هر حال باید از ارواح طبیه شهدای  
راه خدا استمداد کرد، که به ما قوت لازم را دارد  
پایداری و ثبات در راهش، بیش از پیش عنایت  
بکند و به گفتار ما روح بخشد، کم هم گوییده و شنونده  
را استقامت واستواری بدهد، و هم انشاء الله، سبیی  
باشد برای حیران خساراتی که بر ما احتمالاً ممکن  
است وارد بشود .

ایات شریفه در خطاب به مومتنین است . و بعد  
بیان پاره‌ای از خصائص منافقین و احتمالات اشاره  
بپذیرفتن مومتنین از روحیات مخالفین . آنها که  
زندگانی دشیا را خوش داشتند و با دلدادن به  
زندگانی دنیا نتوانستند فرمان خدا را اجرا کنند،  
و در راه خدا با اعلان حرکت بسوی او گام برداشتند،  
زندگانی دنیا و وابستگی ها آنها را سخت بر زمین  
ستگین کرده و میخوبشان کرده و اگر هم میل  
داشتند که ذر راه خدا گام برداشند، اما بعلت این  
دلیستگیها و وابستگیها نتوانستند خودشان را  
برهاشند، و از آین تعلقات جدا کنند و آن راهی که  
باید میرفتند در بیش میگرفتند اگر قرار باشد  
مردم در راه خدا گام برداشند و آنچه که فرمان  
الهی برای مجاهده و گذشت از جان و مال خادر میشود،  
بدون دغدغه خاطر و با آرامش تمام بتوانند گام  
برداشند، باید تعلقات را از خودشان جدا کنند، باید  
متاع دنیا را بآوا و دل بستندند، که دلستن به متاع  
دنیا انسان را کور میکند، انسان را از خدا باز  
میدارد، بینایی و بصارت و آگاهی لازم را از انسان  
مومن سلب میکند، تشخیص وظیفه را ازا و میگیرد .  
امیرالمؤمنین علی (ع) میفرماید: "ان اولیاء الله  
هم الذين نظروا الى باطن الدنيا اذا نظر الناس  
الى ظاهرها و اشتغلوا آجلها اذا اشتغل الناس  
بعاجلها . " (۱)  
مردان حق آنها که دوستان خدا هستند، آنها که

شایستگی این نام را دارند کسانی هستند که باطن دنیا را نگاه میکنند، و دیگران نگاه به ظاهر دنیا میکنند، اینها دنیا را اسباب میدانند، اینها دنیا را وسیله میدانند، برای حرکت بسوی خدا، آنها دنیا را ۲۱ مال و آرزو و هدف میگیرند، اینها نتایج دلیستگی به دنیا رانگاه میکنند، آنها متعاز زودگذر را دل میپنندند، اولیاء خدا به اثار خیر و شر دلیستگی به دنیا میگیرند، اما دیگر مردم، به حقایق زودگذر دنیا متعاز قلیل دنیا نسبت به آخوند: آنها هستند که مصداق معامله گران با خدا قرار میگیرند، که در آیات بسیاری خدا از آنها تعبیر میکند "کسانی که جان و مالشان را با خدا معامله میکنند و پاداشی جز رضایت الهی در نظر ندارند" در آیات دیگری از همین سوره خدا ونداین معنی را اینجور میفهمند:

"الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله و اولئک هم الفائزون" (۲) مودعی کدامیان آوردند و هجرت کردند و جهاد کردند در راه خدا با مالشان و جانشان، برای اینها پاداش بزرگی است ذل نزد خدا و اینها رستگارانند. اینها کسانی هستند که میتوانند از فیض الهی برخوردار بشوند.

"بیشترهم ربهم بر حمه منک و رضوان و جنات لهم فیها نعیم مقیم". اینها را بشارت بدده به رحمت پروردگارشان و پروردگارشان بشارتشان میدهد به رحمت و رضوان خودش و جناتی که برای اینها آماده

شده از نعمتهای الهی که در آنها مقیم وجا ویدند.  
"خالدین فیها ابدا ان الله عندها جر عظیم".

### عوامل وابستگی به دنیا

"یا ایها الذین آمنوا لاتخدوا آبائكم و اخوانکم اولیاء ان استحبوا الكفر على الایمان ومن يتولهم منکم فا ولئک هم الظالمون". شما که ایمان آور دید مطمع نظر است، آنجا که دین در خطر است، آنجا که قیام لله در پیش است رابطه های عاطفی همه فراموش میشود، پیوتدهای مادی همه بی ارزش میشود وابستگیها و تعلقات دشیوی همه در نظرشان ناچیز میشود، "یا ایها الذین آمنوا لاتخدوا آبائكم و اخوانکم اولیاء ان استحبوا الكفر على الایمان من يتولهم منکم فا ولئک هم الظالمون . - قل ان کان آبائكم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم اموال اقترفتموها و تجاره تخشوون کسادها و مساکین ترکضونها احباب الیکم من الله ورسوله و جهاد فی عبیله فتریبصوا حتى یاتی الله بما رمه، و الله لا یهدی القوم الفاسقین". اگر غیر این باشد، پدرانتان، برادرانتان، عشیره تان، اموالی که جمیع کردید، خانه هائی که فراهم کردید، به اینها آنجنان دلیستگی دارید که احساس کسادی بازار میکنید، و

در راه خدا این وابستگی‌ها مانع حرکت شما باشد "فترضیواحتی یا تی الله با مرد" (آنوقت) شما منتظر باشید که امر خدا بررسد، بدگرگوئی از جامعه شما حاصل بشود. بنابراین مردمی میتوانند در راه خدا گام ببردند و سنجینی‌ها و تعلقات را برآختی از خودشان جدا بکنند که به اینها دل نبندند، متاع دنیا در نظرشان قلیل باشد، مقام، قدرت اینها را نکنید، در رابطه‌های شخصی اجتماعی در وضعیت های خاص از مسئولیت‌ها، رسالت‌ها که قرار میگیرند بدانندکه کجا هستند، خودشان را بشناسند، جامعه را بشناسند، وظایف را درک کنند، و (بیان) برای چه این مسئولیت و امر خطیر بر عهده او گذاشتند، و او چه کاری باید بکند، نکنندخای تخواسته امر عظیمی بدوش کسی گذاشته شود و او بدون توجه به اهمیت آن امر و آن مسئولیت، درست آن کند که نقطه مقابل او انتظار است. مقام مانع حرکت میشود. مقام سنجینی ایجاد میکند، رابطه‌های ایجاد میکند. مال سنجینی ایجاد میکند، رابطه‌های سنجینی ایجاد میکند. همه اینها عوامل وابستگی و تعلق انسان است، و چسباندن او به زمین که در راه خدا در وقت مقتضی نتواند حرکت کند، اما اگر آنکه باشد اگر اینها را درک بکند، اگر پهنه اینها با آنکه گفته‌اند نکاه کند، آنوقت برآختی از اینها دل میکند و در راه خدا حرکت میکند، و گرنه خطر بازگشت و انحراف است، خطر و و آمدن ملاک‌ها و چهره-

های غیرحق است و آنهاشی که دور راه خدا آمادگی جهاد ندارند، آمادگی قیام ندارند، آمادگی حرکت ندارند، و حضور آنها در مسئولیت‌ها و در مقامات و در قدرت‌ها ذهنیت و باورها واستعداد عموم را عوض میکند، به همان اندازه که حضور نیروهای مستعد و آماده برای دل کنند از این تعلقات واژای متعای دنیا و در حرکت بسوی خدا و اجرای فرامین الهی، جامعه را میکند و آماده میکند و سریع بسوی خدا متحرکش میکند، با همان شدت و حدت و بلکه بیشتر عکش صورت میگیرد. آنها که شایستگی ندارند و آنها که به متعای دنیا دل میبندند و خودشان حرکت نمیکنند، توده مردم را معطل میکنند، بر هیران نالایق، مسئولان نالایق، جامعه را بسوی انحراف و ضلالت میکشانند، و مسئولان لایق، و مستعد و مجاهد و آماده برای ایثار از جان و مالشان برای خدا، جامعه را بسوی درستی و ایثار در راه حق میکشانند، و جعلناهم ائمه میهدون با مرنا "اینها رهبران را استینند، و بعضی‌های دیگر را هم جوری قرار دادیم که اینها جامعه را (آلی المغار) بسوی جهنم، بسوی آتش هدایت میکنند، کهه این معنی اقرار در آینه بعد اشاره میکند. "الاتنفروا يعذبكم عذاباً ليما و يبتليكم غيركم ولا تغزوهم شيئاً، والله؛ على كل شيء قدير". اگر کوچ نکنید، اگر در راه خدا قیام نکنید، اگر آنها که فرمان حرکت صادر شد، شما حرکت نکنید. قوم دیگری جایگزین شما خواهد شد. "لاتغزوهم شيئاً" به خدا که زیان نمی‌رسانید، زیان را خودتان می‌کنید.

- خطربازگشت ارزشهاي جا على ومنزوی شد نجهرههای اصيل المؤمنين علی (ع) در آنجاشی کده مددن با ایشان

بیعت بکنند، آنجا يك همجه سروشتنی راهه میردم اخطار میکند، هشدار میدهد، میفرمايدکه: "الا و ان

بلیتکم قد عادت کهیثتها يوم بعثت الله نبیکم" (ص) .

(۳) به آینه اخرا میکند، به مردم مدینه میفرمايد:

کده آگاه با شید، بهوش باشد، آن شرایطی که در رسانست این کشور پیشوار لشون

روزگار بعثت بود، آن هیئت شوم تعلقات به دنیا، دنیا پرسنی، مال پرسنی، قدرت پرسنی و آن رابطه های

شوم قبیلگی، وهمه آنچه که آنروزگار بود و پیش از میبعث شدکه آنها را از بین بردوهه جای آنها روزشهاي عالي

اسلامي را یگزین کند، تا مردم قیام به قسط بکنند، بنظر میرسد آنها دارد برمیگردد.

"والذى بعثه بالحق، لتليلن بلبله ولتفربلن غریله ولتساتن سوط القدرحتی یعوذا سفلکم اعليکم

واعليکم اسلکم" (۴) (میفرمايد: جوری بشد، اگر

آگاه نباشد، اگر این شرایطی که دارد بدهشما رومیکنند، اینها را نشناشد و از خودتان دور بگنند و قیام به

قسط نکنید و آنچه که در گذشته آزمن برشا گذشت.

(بینید قبل ازا میر المؤمنین چه شد، خیلی ناچهها صورت گرفت. آنهاشی که پیا میرا کرم (ص) طرد کرده

بودند، تبعید کرده بودند، آنها را برگردانند، آنها را مسئولیتهاي سنگین سیاسی دادند، آنها را مشاور حکومتی کردند! مالهای زیادی از بیت العال را د

رابطه های فا میلی و قبیلگی تقسیم کردند و امير

المؤمنین فرمود: من همه اینها را برمیگردانم . من حتی آنهاي را که کابین زنهها تان کردید، آنها را هم به بیت العال برمیگردانم . فرمود: اگر اینها را نشناشید و دفعشان نکنید به يك ابتلا ، سختی دجار میشود، به آزمایش بسیارهختی مبتلا میشود . جوري خواهد شدکه، آدمهای نابکارشما، ناشایسته های شما با لاییا یندوشا بسته های شما پائین بروند . " یعود آنها که بخاطر بعثت پیا میر (ص) واعلام مواضع حق و موازين الهی، جامعه رشدی پیدا کرده بود، آگاهی یافته بود، آنها را دفعت کرده بود، آنها خودشان را در معوض نابودی کامل می‌پیدند، آنها با لا می‌پند، آنها آقا میشوند، آنها زمام امور شما را در اختیار میگیرند و بر عکس، آنها چهره های وارسته از تقوی و فضیلت و محنت عجین شده جانشان بیا روزشهاي حق، اینها خانه هنشنین می شوند . " و لیسنن اسیاقون کانوا قصرها و لیقمنون می شوند . آنها زیسته ای ای باقون کانوا سبقوا آنهاشی که حرکت نداشتند، سبقون کانوا سبقوا آنهاشی که حرکت نداشتند، آنها که دیروز دیروزگوئه پوئند در حرکت، آنها که دیروز نشستن را قاعوده ایرقهه م ترجیح میدادند، آنها موز بیشتر حرکت امیکنند، آنها مروز پیشروا ن قافه میشوند و آنها که سبقت در حرکت داشتند، آنها که در قیام عليه، طاغیان پیشستی داشتند، آنها مروز برسیده میشوند، کوتاه میشوند و حرکت آنها سلب می شود . اینها هشدارهای امير المؤمنین است، به مردم مدینه میفرمايد، بهوش باشد، آگاه باشد، که اینجوری

نشود . بعدهم یک مقایسه‌ای امیرالمؤمنین بین تقوی و کنایا ها و خلائق‌ها و دلیستگهای بدنیا می‌کنند ، خطای آلودگی‌ها را به اسب چموش تعبیر می‌کنند که سرگش است ، صاحب و سوار خودش را به جهنم می‌برد و تقوی را خدا خواهی را به شتر رام تعبیر می‌کنند که لجام و زما مش به دست را کش است و از این بهشت می‌برد . " الا و ان الخطای ساخته شمس جمل علیها اهلها و خلعت لجمها مطابق با ذلل حمل علیها اهلها و اعطوا از متهمان فاوردند .

الجنه حق و باطل ولکل اهل" این هشدار را امیر المؤمنین (ع) آنروزگار بمقدم مدینه میدهد و امروز با یادبرای جامعه انقلابی ما این هشدار تکرار نشود و مدنظر باشد . گویا امیرالمؤمنین (ع) امروزدا ردمیفر ماید ، اگر ما بیدار زنیا شیم ، اگر ما ۲۴ ها نباشیم اگر ما مسئولیت‌های خود را درک نکنیم ، اگر در رابطه‌های اجتماعی که قرار می‌گیریم نفهمیم برای چه آدمیم و دل بینندیم به قدرت و مقام و دنیا ، این خطرات هست . اگر خدای نخواسته امروز در جامعه ما آثاری از این معانی می‌بینیم ، با یاد این احاسن خطر را به کنیم .

اما می‌بینیم درجا مده ماده بعضی ناپکاران که رفتند بودند تا بخاک مذلت کا ملا بنشینند امروز دوباره دم می‌جنبا نند ، اینها بخاطرا بینست که ما مصداقي از این آیات شریفه شدیم " اثاقلت الم الارض " مقام برای ما اسیاب سنجینی شده ، قدرت اسیاب سنجینی شده ، میز اسیاب سنجینی شده ، یکروزی یک جندتا برادران فرماندا ریکجا شی نشسته بودند ، صحبت شد ، مشکلاتی را

گفتند ، گفتند چرا مانع تو اینی مثل آنروزهای اول عمل بکنیم ؟ چرا نمی‌توانیم مثلًا حرفاها را بکرسی بینشانیم ؟ گفتم : " بشرط اینکه از این (میز) دل بکنید ! همین است " . یکی بعد از جنبدسالی ، دو سالی شاید ، آمد گفت : " فلاشی همین جور بود کاملاً با خودم فکر کردم ، دیدم واه مددارم کذا گراین حق را بگوییم مثلًا استاندارم خوش نیاید و فردا من را از فرمانداری ببرداود . گفت کاملاً احساس کردم اینجوری است " . روزگاری پیجه‌ها بعنوان اعلا کلمه حق و دفاع از حق عموماً اینجوری آمدند و امروزهم اینجوری است . ما دیروز ، واائل انقلاب این (رویه) عمومیت داشت ، فلذ همه با هم در جای خودش برس طاغی و برس آدمهای مستکبر فریبا دیربزمی وردند . اما امروز چون قدری غیر این شد ، گاهی متشاهده می‌شودهاین وابستگان به استکبار امروز طلبیکارند . گاهی با شما جوری صحبت می‌کنند در محکم ، که شما باید محکوم شوید اگر قدری استعداد و آمادگی برای دفاع نداشته باشید ، برای بروخ کشیدن چنایات او بینداشته باشید ، جدا احساس می‌کنی ، تو محکومی تومتمهی نهادو ! اگر امروز در جامعه ما مشکلات زیادی مادریم ، متساقانه بعد از پیش شش سال از انقلاب این همه ناله بزرگان از مسائل اقتصادی اجتماعی ، با همه ایشان عزیزان در همه جبهات خاصه در جبهه جنگ ، این باین خاطراست که قدری بر ما سنگین شده است ، قدری ما را زمین گیر کرده است این دلیستگی‌ها . جا دارد ، یک مسئولی که اینجوری است ، یک آدمی که این

جوری است، یک پولدار، دنیادار، ازدل کنند آسان یک جوان، یک انسان وارسته، یک مسئول مستعد خداخواه وبالغور آمده شدن ووصیت کردن و جدا شدن از خانواده وزندگی ورفتن (او به جبهه تعجب نکند. که اگر ما بهوش نباشیم، جدا خطراست. اگر آگاه نباشیم، اگر آنجور که به ما موغنتند او شمه علیهم السلام و صاحب امشب ۲۱ رمضان (امیر المؤمنین علی) (ع) به ما یادداد عمل نکنیم، بخدا طرد پیش است. باید اینها بهوش باشند. باید از امیر المؤمنین (ع) درین بکیریم، ناتکون رسانست این کشور

### - جاذبه و دافعه علی علیه السلام

علی (ع) (جا ذبیه و دافعه اش حساب داشته. هر کسی را که جذب نمی کرد. انسانهای با فضیلت را جذب می کرد. انسانهای بی فضیلت را دفع می کرد، هر که بود! ظلمه وزبیر (شنیدیدبارها) آن همه امرا را کردن دکه آخر ما را هم در نظر بگیرید. بعد از ینکه خلبانی رفت و آنقدر کردند و اصرار گردند. بعضی ها می نویسند که امیر المؤمنین برایشان (حالا امتحان بودیا و اقعاً ماهه بودند بعد دوباره متوجه شدند به هر حال بعضی ها می نویسند این جور شد). ولایت یعنی را برای طلحه نوشت. و یا امده و یحیرین را برای زبیر نوشت و حکم را خواست به اینها بدهد، اینها اظهار غوشنودی کردند، تشرک کردن و گفتند: یا امیر المؤمنین توحیح رحم را بجا؟ وردی، حق دوستی را بجا آوردی و زیاد را خشنودی کردند از اینکه همچین مقامی بددست اینها داده می شود، حضرت امیر المؤمنین

علی السلام به اینها ندادوفی مجلس پس گرفت. شما خیال می کنید (ع) سرپرستی مردم خدا خواه مستضعف را که باید حقوقشان در راه خدا بیفاشود. آنرا با خوش آمد داده اند معا مله می کنند؟ فکر می کنید برای خوش آمد شما من اینکار را کردم؟ شما شیکه برای در دست گرفتن مقام اینقدر ابراز خوشحالی می کنید شما شایستگی ولاست و زعامت مردم را انداردید، و میدانید که رفتند. از علی را شدند، آنچه را که انتظار بودند را بمقابل علی کردند. کا هی من خیال می کنم اگر این عمل کردا میر المؤمنین را امروزیه خلبانی ها از دوستان انقلاب عرضه نکنند! از یک آدمی غیر علی (ابرا و خرده بگیرند). گویند: خوب علی... حالا ز توتگیر کرد، تو صحبت کردی، اینها تشرک کردند، حالا می گذاشتی بروند کشا و شان را بگشتنند. توجه در آدم خشک سری، (العیاذ بالله) (قد خود را بی این را من دارم از قول آنها شی می گوییم کمدر این انقلاب گفتند. به رجایی کله بیک گفتند. به بعضی مقامات، مسئولین این مملکت کله خ گفتند. در نهایت جمعه ای یک آنکه جمعه ای به یک مسئولی که می خواست تا حدی مقدور در راه حق قدم بردارد و این توهیه ها را زیر برآ و شروع به او کله بیک گفتند. (عنی فهمند)، در همین استان (گیلان) (دریک سخنرانی فرهنگی)، یک سی شعوری، امیر المؤمنین را انتقاد کرد و گفت: «امیر المؤمنین زیاد دشک بود، علی زیاد دشک بود. به خود ره باشد مرا عات می کرد!!» آنوقت این آدم میتواند دوست انقلاب بشناسد؟ این آدم میتواند دشمن انقلاب

بشناسد؟ این آدم میتواند خودش را از وابستگیها  
رها بکند؟ نتیجه‌اش همین میشود که می‌بینید.  
نقش عنصرنفوذی در به شهادت رساندن شهید انصاری

وقتی که موقوفشا نرا نشناشد، نفهمند، رسالت‌های  
عظم الهی انقلاب‌که برداشنا می‌آید (وا) درک نکنند،  
مشتی ازادل، انسانهای دور از شرف، دور از نهار احاطه  
می‌کنند. می‌بینی یک انسان مصدق نفاق اکبر (بگفته)  
دادستان کل ارش (بدراحتی درخانه‌تلومن رفت و  
آدم می‌کنند. بعنوان پاسدار تو! بعدجه می‌شود؟ آنوقت  
این انسان رذل می‌گذاشت و تورا بطری حسنه  
داشته باشی؟ او تورادرگ بکند؟ ابدا!!! اینجور  
خواهد شد. سرگرد اطلاعات شهریاری این استان آنقدر  
قاب اینها را دزدیده بودکه می‌خواستند و دسته در جه  
افتخاری برایش بگیرند، سرهنگ تمامش بکنند،  
رئیس شهریاری کیلانش بکنند! خادرا این حیض و بیض  
بودند (شبکه تروریستی منافقین جنگل) صدایش در آنالع  
در آن محکمه، معلوم شد ایشان را بخط اطلاعاتی با جنگل  
است. همان‌شیل گیلان را به جنگل می‌دهد و آنها به خارج  
میدهند و بعد هم تازه، تلاش داشتند که این می‌شرف  
را نگذاشتند اینجا اعدام بشودوا و در بازجوییش می‌گویید  
که من در شب حد شهادت شهید انصاری و شهید نورا اسی  
(مطلع بودم. من رفتم استانداری (او در بازجوییها -  
بیش می‌گویید!) اطلاع پیدا کنم که انصاری آتشب کجا

است؟ اول خودداری کردند. به من اطلاع ندادند بعد  
طلب اعتماد کردم. من افسر شهریاری نیم، افسر اطلاعات!  
(ایشان در بسیاری از جلسات امنیتی استان بیود، و  
وقتی می‌مددتوى جلسات، آنچنان حکم خودش را خبرد از  
نگه میداشت. خدا یا تومیدا نی، گاهی دلم در دمیگرفت.  
میگفتم، این آدم الان با این ژست دروغین خودش بیا  
این احترام کاذب خودش امضا هاشی که از این آدمها  
میتوانند بگیرد، ما هادر را بده های دوستی انقلاب یکی‌اش  
رانمی‌توانیم بگیریم. اینقدر زودگوشان می‌زنند.  
جون ساده‌می‌آتدیشند چون به عمق فتنه و خیانت  
دشمن واقف نیستند و نمی‌خواهند هم واقف بشوند.)  
ایشان می‌گوید من اطلاعات را گرفتم و فهمیدم شهید  
انصاری کجاست و می‌گوید، من به آن دونفر مجاہد  
منافق، آن مسکن را و آن آدرس را دادم و صبح آن‌هارفتند  
اینکار (ترویر) را گردند، این جنایت را ببار وردند،  
ایشان تا این اوخرخوشی این استان به مریش همه  
(البته آنها که برای آنها تسلیم بودند) می‌خندند.  
و آن عنصر کثیف دیگر (۷) و خدا میداند که از این عناصر  
کثیف درا بین استان (حدا قل) چقدر هستند؟

- چگونه امام علی منزوی می‌شود؟

مگر انقلاب چطور مضمحل می‌شود، مگر خطر چطور انسان  
را تهدید می‌کند، یک حرکت را تهدید می‌کند؟ مگر علی ("ع")  
چطور خانه‌شین شد؟ چطور می‌شود میرالمومنین که بیان میر  
اکرم (ص) آنهمه ایشان را تایید می‌کند، آنهمه در موقع

مختلف اورابا لامیا ورد، "علی انت و شیعتك هم  
الفائزون" شما برترینید، شما رستگارانید، تولخیفه  
منی، هرکه من را دوست داشته باشد تورا باید دوست  
داشته باشد، هرکه با تو مخالفت بکنديا نم مخالفت کرده  
مخالفت با خدا کرده، هی زا بین نمونه هادا رد و دارد و  
دارد، اما علی (ع) بیست و پنج سال در شدیدترین رنجها  
خانه نشینی واختیار کرد. چطور میشود؟ وحال آنکه در  
همه میدانها علی پیشقدم بود، علی یکه تازبود. امیر  
المؤمنین میفرما بدکه: من در میدان مبارزه قدم  
گذاشت و قتی که به بیست سال نرسیده بودم و من در  
هیچ جنگی پشت به دشمن نکرده و نمیکنم. "انی و  
الله لولقیتهم واحدا وهم طلاق الارض کلها مابالیت  
ولا استوحشت و اینی من ضلالهم الذي هم فيه والهدی  
الذی انا علیه لعلی بصیره من نفسی و بقین من ربی  
(۸) چرا، بروای اینکه من بریقین بیست به بیرون گار  
خودم هست و به غلات و گمراهی که آنها در آن هستند  
واقفم. با این وضعیت درا یمان به بیان مبردر میدانها  
نبرد، در اینجا و در حظ بیت المال، علی که به میست  
المال نگا، میکند و میفرما بدکه بروید یکی دیگر افریس  
دهید، ای زردها، ای سرخها، ای اینها شیکه تلاوی شما  
قلب دیگران را میکند، نقره ها، طلاها "غیر غیری"  
برورید غیر علی را فریب بدھید، بعدهم میآید بیست  
المال را تقسیم میکند، بعدهم جا روب میکند، بعد در  
آن محل نماز (شکر) میگذا ردو بیرون میآید. این علی  
با این صداقت چطور میشود، حقش را میکیرند، چهره اش را

اینقدر وارونه میکنند، شوخی است که بعد از شهادت  
امیر المؤمنین (ع) مردم تعجب کنند، و تکر نصار  
میخواند؟! که منادی ندا داد اور محراب عبادت  
کشته شد!

### - جان گرفتن عناصر ضد انقلاب

یکی، دوتا، سه تا، پنج تا، یکدفعه تو دور خودت جمع  
میکنی، یکدفعه من، یکدفعه اما و میکنند...، این مهم نیست،  
آن هم مهم نیست، او هم مهم نیست، جا معدہ اقتصادش  
مهم نیست، ادا دگستریش مهم نیست، داشگاهش مهم  
نیست، کجا بش مهم است؟ ادا را تش مهم نیست! مگر  
جا معدہ چیست؟ مگر انقلاب چیست؟! توی یک شهری با  
دادستانش صحبت کردم (شرف داشت، دین داشت، فضیلت  
داشت) گفت: "باور کن، هر روز آماده ام تورا هی که به  
دادگستری میآیم، تھا دفع بشود پایم بشکند شش ماه  
خانه بخوایم، این دادگستری نباشد، برای اینکه من  
اینجا سیر تقاضا های یک مشت فودال کثیف برگشته از  
خارجم، یک مشت آدمها ریز ذل که مرده بودند، دو باره  
جان گرفتند، گفت: آن روزی که وارد شهر شما شدم،  
دیدم زمینخوارها آمدهند...، ... نامه سورای عالی  
قضائی این را حکایت دارد، آنها بخشنا مه کردند به  
دادگستریها و دادسرایها که پرونده های مربوط به زمین-  
های کشا ورزی را فعلاً دنبال نکنید، متوقفش کنید،  
آنها که خارج بودند، فراری بودند، مخفی بودند، آنها  
سردر آوردند، ادعای دارند میکنند، میخواهند با قوانین

غیر اسلامی تدوین شده از قبل (انقلاب)، این مستضعف را

به محکمه بکشند، واقعه جای تاسف است جای ونچ است،

اگر خدای نخواسته یک قاضی شرعی هنوز هم اینقدر

شم سیاسی نداشته باشد با توجه به این بخشنا مه

شورا بعالی قضائی هنوز هم به منفع آن مستکبر، به

نفع این فدای اسلام حکم بدهد و یک مشت روسائی را

محروم از کشت بکنند، که‌گاهی متاسفانه میکنند، چون

شورونیست، چون بھارت و آگاهی نیست، آنوقت از آن

طرف یک مشت انسانها ضدپسر بعنوان بازاری "ذذد"

شوخی داریم؟ می‌گویند آقا دفع نکنید، جذب بکنید،

جاده‌داشته باشید، خجالت بکشید! ما این فریادمان

را باید بکنیم . دیر یا زود، اگر در شب وفات

علی که مظہر عدالت است و برای عدالت تنها مانند ما

این فریادها را در این انقلاب بلند نکنیم، کی بلند

کنیم؟ این بازار رشت با راس اسلام است؟ این بازار-

های ایران، بازار اسلام است؟ (۹) این ادارات مانند

ادارات اسلامیت؟ این فرمانت‌ها، این ستاد

بسیج‌های اقتصادی - هشتاد هزار مستضعف را در منابع اسلامی

شاخه‌های اقتصادی - هشتاد هزار نیز بکشند

آن درخانه تو؟! این جنایات زیانش به کمیکرد؟

"من کنمی خواهم خانه‌سازم!" اما اینها بیخ

گلوهاتان را فشار خواهند داد، اینجورن خواهد بود. آن

دانشگاه شد . یک مشت عنصر خوب ما را آوردند در

تشکیلاتی بنام دیوان عدالت اداری (بگم ایکاش

تشکیل نمی‌شد) هرچه روز ناپاک، با کسازی شده،

وابسته به اجنبی، وابسته به گروهکها، همه با داشتن یک مشت ایادی با لاست از مستشاران بالای حقوقی قضائی، بیست و هشت سال میگوید من ساقه قضایدارم، بیست و هشت سال دروزیم طاغوت تایید حاکمیت او را در رابطه قضایکرد، (یعنی این دیگه) (یعنی این) میگوید من سی و هشت سال تصدی امر قضا را ... کدام امر قضا را؟ ایشان مستشار دیوان عدالت می‌شود، پرونده را تنظیم می‌کند، قرباً ان آن آقا هم بروم، ایشان هم امضا می‌کند! بعد میروی بهش میگوشی که آقا تو این را نوشته، ایشان فعلاً برگرد بعده از سال سرکا و تا بعدی صورت اداری محاکمه بشود، میدانی، تا بیدکردی که ایشان، حقوق سراسر ولگردی خودش را بگیرد؟ چهار صدهزار تومن، بانصد هزار تومن، هشتاد هزار تومن، بیشتر، کمتر، از بیت‌المال مردم مستضعف بهش بدهند؟ می‌گوید: اووه، اینجور هم هست؟ من نمی‌دانستم! غلط کردی در این مسئولیت قرار گرفتی، غلط کردی هر که هستی، ماخون شهدا را برايش کمتر از وجود تو که قیمت قائل نیستیم، توکه نفهمیدی ابعاد امضا و تصمیم گیری توک جاست، جراحت مفهومی؟ و می‌بینی که چه خبر است. البته غیر طبیعی هم نیست. این انتظار بود.

- ازیاران آگاه انتظار خود نیست  
امیر المؤمنین هم در این خطبه فرمود: "ولقد  
نبیت بهذا المقام وهذا اليوم" فرمود: من خبردار

بودم پیا میرمرا خبردا رکرده بودکه اینجور پیش  
می‌اید، ما از خبیث‌ها انتظار داشتیم اینجور بکنند،  
اما از آگاهان ما، همراهان ما، یاران ما این انتظار  
نبود و نیست که اینقدر خمودبا شند و خموش و بی‌هوش و  
مدهوش ! تا کجا ؟ و بستبدل قوماً غیرکرم و لاتخروه  
شیئاً والله علیٰ کل شیٰ قدیر در عین حال خدا وند  
به پیا میر (ع) میفرما یدکه : "لاتحزن ان الله معنا،  
فائزِ اللہ سکینتِه علیه وایده بجنوبلم تروها  
جعل کلمه الذين کفروا السفلی وكلمه الله هي الطیا،  
والله عزیز حکیم" (۱۰)، میفرما یدکه محروم میباشد ،  
خدا با ما است، خدا وندسکینه و آرا مش خودش را بر  
قلوب قوای پیا میرنا زل می‌کند و تیورا تایید می‌کنده  
جنودی و لشکریانی که لم تروها و آنها که کافرنده  
آنها را پائین میبرد، ذلیل می‌کند و آنها که در راه خدا  
هستند، کلمه خدا را عهده می‌گیرند و تسلیمند اینها را  
بلامیا ورد. " وكلمه الله هي الطیا " کلمه خدا  
با لاست، دین خدا بالاست ، " والله عزیز حکیم " خدا  
با عزت و دانا است . امشب شب پیست و یکم ماه مبارک  
رمضان است، امشب امیر المؤمنین (ع) از این همه  
مشکلاتی که برا و گذشت خلاص می‌شود . امیر المؤمنین (ع) ای  
نانه میزند، به مردم زمانش خطاب می‌کند، " یا اشیاء  
الرجال ولارجال " (۱۱) ای شیوه مردان که مرد نیستید،  
(بیبنید، چه کشید علی؟) . " حلوم الاطفال و عقول ربات  
الحال " ای کسانی که عقلتان، فکرتان مثل فکرستان  
نازهه بحجه رفتهاست . بعد حضرت میثالد و میکوید!

- ۲۲ -

ایکاش من شما را نمی‌دیدم، ایکاش شما را نمی‌شناختم  
چرا؟ برای اینکه این شناخت را از شما پیدا کردم،  
برایم اسما ب تاسف شد، اسما ب صدمه و رنج شد، اسما ب  
دردش . " قاتلکم الله، قدملاتم قلبی قیحاً و شختم  
صدری غیطاً " میفرما ید: قلب من راشما پر از درد  
کردید، خدا شما را بکشد ( اینهاش که این جور با علی  
هزفتار کردند ) (علیٰ (ع) این استوانه استقا مت، این که  
سعه مدارش برای همه متفکرین و مسئولین و سیاست -  
مداران اعجاب انگیز است اما اینجا میرسد، میگوید  
آنقدر مرا عصیان کردید، آنقدر شما فرمانی کردید که  
رای من افاسد کردید . " افسدتتم علی را بی‌العصیان  
والخدلان حتی قالت قربیش ، ان این ابیطالب رجل شجاع  
ولکن لاعلم له بالحرب " (۱۲) .

آنچور کردید که قربیش گفتند: علی پسر ابیطالب  
مردی شجاع است ولکن علم جنگ ندارد ! علی علم  
جنگ ندارد ؟ ! شما من را با طاعت نکردید، شما من را  
همراهی ننکردید، شما دنیا دار بودید و به اعقاب تان  
وامیال واجداد تان تبرکشید و به آنحالت شرک و کفر  
آشنا شنا (برگشته) ۷

W n g e  
- مردم صادق و پیرو امام بزرگترین سرما یه  
خدای نخواسته، اگر جا معه، امت، مسئولین، امام  
را، رهبر ارادت است اطاعت نکنند، درست درکش نکنند،  
فریادهای اورانفهمند، مسئولیت‌هایی که او گوش  
بزنگ می‌کنند اینها درک نکنند، او هر قدری عظیم باشد از

(اما م) علی (ع) عظیم ترنیست، رای او هم فاسد خواهد شد، او هم موفق نخواهد شد. اما م علی (ع) میفرمایند: "ولکن لارای لمن لایطاع" کسی که ازاوا طاعت نشود، کسی که ازا و پیروی نشود، را بی ندارد، موفقیتی ندارد اگر امروز مادر این انقلاب عظیم میبینیم که این جور موفق در مجموعه حرکت هستیم، اگر امروز جهانخواران از این انقلاب حساب میبرند، اگر امروز آوازه این حرکت عظیم قسط خواهی و عدالت گستری در گیوهوش جهانیان طنبیان انداخته و ضربات مهلهک آن بیز مغزه مه عوامل استکبار را شافرود می‌آید و آراش را از آنان گرفته و اگر امروز آزادگی واستعداد این ملت برای روز قدس فراهم و اعلام میشود و ملت و امت یکباره علیه استعمال رواستکبار رجهانی دژ روز قدس بمعناش گذشته علام موجودیت خواهند گردید، این بخاطرا بینست که مجموعه مردم صادق این انقلاب نهایا زیگران نه با زیگران با این همه ایشا رگریها و خونهای پیش از عزیزان انقلاب نه. این مردم و مسئولین صادق آنها که دل سوزانند، آنها که خودشان را فدا کرده‌اند، آنها که بگفته آقای صانعی یا در پشت میز مسئولیت ها دارند له می‌شوند، یا در جبهه دارند شهید می‌شوند. اینها، این مردم عملاً به ما مشار فرمایند را ری صادقاً نه شان را نشان دادند و این بزرگترین سرمایه ماست مشوق ما و امیددهنده ما امروزاین است.

- دائماً برخدا توکل کنیم  
البته ورای این، آن وعده‌های الهی در پی توکل برخداست، " ومن یتوکل علی الله فیهوسبہ " دائماً با یدت توکل برخدا کنیم، دائماً با یمدر مواقف مختلف از حزن، رنج، درد، شناخت از همه مشکلات، شناختی از همه ارزشها در خودمان احیا؛ کنیم و با توکل برخدا از ارواح پاک شهدای راه استمدا دیگنیم، تا این آید در حق ما هم تحقق پیدا کنده " فائز اللہ سکینتھ علیه و ایده بجنودلم تروها و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و کلمه اللہ هی العلیا ". با یادآگاه باشیم و آگاه بکنیم، با یدجا مهدرا بنشانیم، دستها را خبیث دشمن و توطئه‌هارا بیشتر بشنا سیم و بشنا سانیم، آنها ش که در معرض خطر فریب خوردگی هستند، آنها را آگاه بکنیم، جدا با یاد بر شما تبریزیک گفت، بگذا رید بی‌پاکانه با هم صحبت کنیم، به شما تیروهای سالم و حزب اللہ این شهرها بیدتبریزیک گفت، با همه رنجها بیتان و با همه دردها تان، احساس تکلیف کردید و دزدان را، انسانها را آلوده و منحط را، آنها را که با جا پلوسی میخواهند خودشان را نزدیک کنندیه ببعضیها، و عزیزان را از انقلاب دور کنند، آنها را با زمی‌شنا سیدو با زمی‌شنا سانید و رسواشان می‌کنند، این نعمت بزرگیست که خدا به شما داده، هر چند که خیلی سختی می‌کشید، هر چند خیلی ملامت می‌بینید، اما توکلنا را برخدا باشد، پايان این تلخی‌ها رضايت خدا است که شیرینی نهائی را دارد، با یدبای همین

۲۶- آگاهی، بایا حفظ همه محهات ارزشمند اخلاق اسلامی و تقوای دینی، حرکت کنید، هر قدر رنجنا ن بدنه‌دهم، دلتنا را به ذره‌ای از دردهای بینها یست امیر المؤمنین علیه السلام بسپا رید، که نمی‌شود درک کرد، نمی‌شود (عمق عظمت آنرا) درک کرد، چه کسی است جرئت داشته باشد، بگوید من درک می‌کنم که علی (ع) چه کشید؟ امیر المؤمنین روزی با لای منبزد رماه رمضان نگاهی کردند به جمعیت، نگاهی کردند بگوش مسجد فرزندش امیر حسین (ع) ارادیدند، ازا و سوال کردند، یا ابا محمد چند روزا زماه رمضان گذشته است؟ حضرت فرمودند: سیزده روز، نگاهی کردند بگوش ای دیگر فرزندش امام حسین (ع) را دیدند، ازا و سوال کردند، چند روز مانده به پایان ماه رمضان؟ فرمودند: هفده روز (در خبر) دارد، امیر المؤمنین دست به لحیه می‌رکشان که سفیدشده بود کشیدند، فرمودند: "والله لیخپهدا بدمها، اذا ثبعت اشقيها". اخبار کردن مودم را که آنروز نزدیک شده است . قسم بخدا که ریش من، محسن من، بخون من و نگین خواهد شد بکی؟ آنوقتی که شقیعات مبارزات اسلامی

ترین این مردم، برا نگیخته شود چه بگوید. چه جور دیگر دردهای خودش را اعلی نشان بدهد و چگونه آزادگی خودش را برای وستگاری و فرزرو رها شدن از همه دردها اعلام بکند که در شب نوزدهم آنجا که شمشیر بر فرق علی (ع) آمد، اعلام وستگاری می‌کند، سوگند به پروردگار رکعبه که علی خلاص شد، خاک را بر فرق سر می‌باشد و میفرماید: "منها خلقنا کم و فیها نعیدکم و

منها نخرجکم تاره اخري" شماره از خاک افریدیم، بخاک با زیر میگردانیم و با ردیگر از خاک، شمارا زنده‌تان می‌کنیم. فریاد بلند می‌شود در آسان و زمین که ارکان هدایت درهم نور دیده شد، رسیمان محکم الهی پاره شد. "تهمت والله اركان الهی و انظمت اعلام التقی و انفصمت العروة الوثقی، قتل ابن عم قتلله الشقی الاشقیاء" (۱۳) که امشب شب را امیر المؤمنین علیه السلام گاهی بیهوش می‌شوند، گاهی بیهوش می‌آیند. آنوقت آن قاتل را پیش حضرت می‌آوردند، در وقتی که بیهوش می‌آیند آنچه هم حضرت دستور مدارا با او موده‌هند، شیری که برای حضرت می‌آورند به او و عده می‌کند به ارجاع می‌کنند و بحدا مزمه حضرت ابن اسٹ که "ارفقوا یا ملائک دربی، بی" ای ملائک آسمان، ای فرشتگان خدا، با على مدارا کنید. لحظات آنرا است که امیر المؤمنین "ای نجور خاطب می‌کند، اینجور خاطب می‌کند، اینجور با فرشتگان خدا سخن می‌گوید: "ارفقوا یا ملائکه ربی، بی" یا من مدارا کنید، از خدا پیش در آن لحظات می‌خواهد که خدا با من را بایا اولیا است و می‌باشد تو همینشین بکن. "اللهم اسئلک مرافقه الانبياء والوصياء و على درجات جنه الماوي" با پرپرور دگارا به قلب پرورد امیر المؤمنین (ع) بدهنده‌های دردمدانه علی، مارا در موافقی کدر آن قرار می‌گیریم بیش از پیش آشنا و آگاه بفرما. با پرپرور دگار، امام امت این انسان والا رادر این زمان، این چهره امیدبخش به مستضعفین

جهان، این نمونه تقوی و ایثار را خود گذشت<sup>۲۷</sup> و شهادت و این قلب تپنده را که طبیعتهای قلب او به قلوب این مردم، طبیدن میدهد و آنها را میدوار میکند و آنها را در صحنه بیش از بیش حاضر نگه میدارد و دشمنان را میکند، خدا یا بر طبیدنها قلب او تا حضور ولی امرت امام زمان (ع) در کنار او، روز افزون بفرما، یا پروردگارا، مارادر راه تو شافت قدم بدار خدایا، رزمندگان ما را در جبهه های شردنصرت نهائی و قوت و استقامت تابه پا یان رسانیدن این حرکت عنایت بفرما با ربرور دگارا، از تو میخواهیم، مصرانه از تو میخواهیم، دشمنان را خواه روز لیل بگردان، خدا یا، قسط رادر همه ابعاد این انقلاب به دست آنها که لایقدوانها که میتوانند، هر چه بیشتر و زودتر بگستران، بار پروردگارا، شهادی انقلاب را در زمرة شهدای کربلا محضور بفرما، خدا یا، شهادی انقلاب را در احوال حشمت عالی است، متعالی بگردان، بار پروردگارا، شهادی انقلاب فرهنگی، شهادی افطا رخونین، شهادی همه صحنه های انقلاب و این استان را، دوشید، شهادت اسلامی و شهادت نورانی را نیز در پاداش و رضوانشان از تو بیافزا خدا یا، ما را مشمول دعا های آنها بیش از بیش قرار بده، بار پروردگارا، ائمه دینت علیهم السلام از ما راضی و خشنود بگردان، خدا یا، لحظه مرگ ما را، لحظه سعادت ما قرار بده، اهل مجلس ما اهل بهشت بگردان، بار پروردگارا، چشمها ناقابل مارابه ظهور عالم آرای ولی امرت منور بفرما، "والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته".

- (۱)- خطبه شانزدهم نهج البلاغه.
- (۲)- حکمت ۴۲۶ نهج البلاغه فیض الاسلام.
- (۳)- آیه ۲۰ سوره توبه.
- (۴)- خطبه ۱۶ نهج البلاغه فیض.
- (۵)- اشاره به سختانی است که در نماز جمعه شهر لاهیجان بهنا ریخت ۶۱/۶ خطاب به فرماندار وقت شهرکه جهت اعتراض به مداخلات غیرقانونی و رو به افزون عده ای از افزایدمتمول و متند شهردار امور فرمانداری استغفار نموده بودند، ایراد گردیده است.
- "سوم: قبیل من یتحمّه آدم نباید کلمه شق باشد. کله خشک و کله خوشباید باشد کسی نصیحت می کند او را به پره کلاهش نخورد" ، ببینید انسان مسلمان در برابر حق چیه؟ اگر اورا نصیحت کردند به پره کلاهش نمیخورد استغفار شمی کنند، ناراحتی نمی کنند.
- (۶)- اولین استاندار و مختاری کیلان مهندس انصاری که همراه همایون عمرانی استانداری مهندس نورانی، در سحرگاه ۱۵ تیرماه ۹۶ توسط منافقین در شهرست به شهادت رسیدند.
- (۷)- رئیس کار دمحافظ دفتر امام جمعه که به اسم حمایت از ایشان در سرکوب نیروهای حزب الهی سعی بلیغ داشت و سرانجام به گزارش روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۱۸۴۴ مورخ ۷/۱۸/۹۶ طی حکمی از سوی دادگاه ارشاد جمهوری اسلامی استان کیلان و تائید نورا یعالی قضا شی به جرم زنای محسنه مکرر، استعمال و ماختن مشروبات

# جمهوری اسلامی

صفحه ۴

شنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۴

۲۴ مهر ۱۴۰۶ - شماره ۱۸۴۴ - سال هفتم

## اعدام یک مفسدی اراضی در رشت

رشت - خبرنگار جمهوری  
اسلامی بیان حین نظری فرزند  
شهریار رشت مفسدی اراضی  
نشناخته شد و به اعدام محکوم  
گردید. ساختن شرubs کلی و مواد  
محترم، ساختن شرubs کلی و مواد  
محترم، استفاده از مقام شعلو  
مفسدی اراضی شاخته و باعدها  
محروم شد و حکم صادره در مورد  
نماینده باجزا در این

بیان سروان سپه شهریار اسما

الکلی وسوء استفاده از مقام شغلی مفسدی اراضی  
شناخته و به اعدام محکوم گردید که حکم صادره در مورد  
وی به اجراء گذاشتند (گروه مردک فوق فرمیمه است)  
(۸) - فرازی از تا مده ۶۲ حضرت امیر المؤمنین(ع) به اهل  
حضر نهج البلاغه فیض.

(۹) - اشاره به قسمتی از بیانات شهید مظلوم آیت  
ا... ذکرتبهشتی است که در با راه تشریح ابعادالت  
اجتماعی در اسلام ولزوم تحول انقلابی در سیستم  
توزیع کالا بنا بر این روزی اردیبهشت ۱۳۵۹ در مسجد خندق  
آباد تهران ایرادگردیده است:

این وضع موجود و این فاصله فراوان در آمدها و  
زندگیها بهیچ عنوان با عدل اسلامی سازگار نیست.  
این خیابان، این بازار، خیابان و بازار اسلامی  
نیست، این گرانی روزافزون ارزاق هیچ جیزش به  
اسلام نمی خورد، نگوآقا می فروش و بعد خمسش را  
می دهم مسجد هم با هاشم می سازم، آقا جان توکران  
نفروش خفشن را هم نمی خواهم بدھی مسجدهم باهش  
نمی خواهم بسازی، این سیستم توزیع کالا به امروز  
وجود دارد بنام سیستم آزاد توزیع کالا این فقط  
برای پولدارها آزاد است، برای بی بولها کمال  
تنگنگاست.

(۱۰) - آیه (۴۰) سوره توره.

(۱۱) و (۱۲) - خطبه (۲۷) نهج البلاغه فیض.

(۱۳) - صفحه (۲۰۳) کتاب منتهی الامال حاج شیخ عباس  
قمی جلد اول چاپ حروفی موسسه انتشارات علمی.

خدا یا، رزمندگان ما را در جبهه‌های نبرد نصرت نهایی  
وقوت و استقامت تا به پایان رسانیدن این حرکت عتایت  
بفرما.

با رپورددگار از تومی خواهیم دشمنان را خواه رو ذلیل  
بکردان.

خدا یا قسط را در همه‌ها بعدها درین انتقلاب به دست بست  
نهایی که لایقند و آنها بی که می‌توانند، هر چه و ناگون بر  
و زودتر بکسران،

(به منقل از کتاب)

# رنگ ایمان

موسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان

www.rangemiman.ir



www.rangeiman.ir